

دارند.

در این مقاله سعی بر این است که جایگاه زنان در آموزه‌های شریعت نبوی - صلی الله علیه و آله - و در کلام آن حضرت بررسی شود.

زن و آموزه‌های مکتب حضرت محمد - صلی الله علیه و آله نگاه نیک و انسانی نسبت به زنان در آموزه‌های شریعت نبوی، تنها راهی است که می‌توان به وسیله آن، جایگاه اصلی زنان را پیدا کرد. آموزه‌های مکتب محمد صلی الله علیه و آله - و نگاه واقع بینانه آن، نسبت به زنان، به سان مشعلی فروزان است که می‌تواند زنان را از زندگی تحقیرآمیز و سرنوشته اسفبار، نجات دهد، و به آنان عزت، کرامت، بزرگواری، رشد و کمال بخشد. در این جا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود.

۱- یکسانی گوهر زن و مرد در آفرینش

از دیدگاه پیامبر، زن و مرد هر دو انسان، مخلوق و بنده خداوند سبحانند و از لحاظ خلقت، دارای گوهر واحدند؛ یعنی از نفس واحد آفریده شده‌اند و مبدأ خلقت هر دو یک چیز است.

در قرآن کریم در چهار مورد به آفرینش مردم از نفس واحد اشاره شده است. مقصود از این مردم، می‌تواند هم زن باشد و هم مرد:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَكُمْ ۗ﴾^۱

«ای مردم! از [مخالفت] پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت.»

۱- سوره نساء، (۴) آیه ۱

جایگاه زنان در شریعت نبوی ﷺ

فاخر حسین زکی

قسمت اول

چکیده

زن در عصر شکوفایی خرد و دانش، همچون دوران باستان مظلوم است، و از او به عنوان ابزار و کالای اقتصادی برای رونق بازار مصرف و تجارت استفاده می‌شود. مکتب‌های مدافع حقوق زنان نتوانسته‌اند برای زن دریچه‌ای به سوی کرامت و عزت بگشایند، و در این میان آنچه که حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - فرا راه زنان گشوده است، تنها راه نجات و تنها سبب رشد و رستگاری زن در دنیا و آخرت است.

رفتارهای نامناسب با زنان، همواره این سؤال را پیش روی ما قرار می‌دهد، که چه چیز منشأ رفتار حقارت آمیز با زنان است؟ آیا تفاوت سرشت زن و مرد، منشأ چنین رفتاری است؟ و آیا زن در نظام آفرینش، موجودی حقیر است؟ در آموزه‌های پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - در سرشت انسانی و کرامت ذاتی، میان زن و مرد، تفاوتی دیده نمی‌شود، و هر دو به عنوان مخلوق و بنده خداوند، برای رشد و صعود به کمال انسانی و قرب الهی صلاحیت یکسانی

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۗ ﴾

« او (خدا) کسی است که شما را از یک نفس آفرید.»

﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا ۗ ﴾^۱

« او (خدا) کسی است که شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از جنس او فرار داد تا در کنار او بیسایید.»

﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا ۗ ﴾^۲

« او (خدا) کسی است که همه شما را از یک نفس آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد.»

در این آیات مبارک، از این موضوع سخن گفته شده، که آفرینش انسان از گوهر واحدی است، که از آن به «نفس واحد» تعبیر شده است، و افزون بر آن، خداوند منشأ آفرینش انسان، اعم از زن و مرد را، از خاک، سپس از نطفه می‌داند که مراحل خاصی را طی می‌کند، تا انسان کاملی شود؛ چنان که فرموده است:

﴿ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ وَالْجَانُّ خَلْقَانَا مِنَ قَبْلِ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ۗ ﴾^۳

«به حقیقت ما انسان (حضرت آدم - علیه السلام -) را از گل خشک، آفریدیم، و جن را قبل از او، از آتش سوزان خلق کردیم.»

﴿ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ ۗ ﴾^۴

«ای مردم! اگر در باره برانگیخته شدن (در روز قیامت) تردید دارید [این تردید شما به جا نیست] زیرا ما شما را از خاک، سپس از نطفه، سپس از

۱- سوره انعام (۶) آیه ۹۸.

۲- سوره اعراف (۷) آیه ۱۸۹.

۳- سوره زمر (۳۹) آیه ۶.

۴- سوره حجر (۱۵) آیه ۲۶ و ۲۷.

۵- سوره حد (۲۲) آیه ۵.

خون بسته شده، و بعد از آن، از گوشت نیم جویده‌ای که گاه صورت بتندی شده و گاه صورت بتندی نشده آفریدیم.»

نیز در دیگر آیات، منشأ آفرینش انسان، از خاک و نطفه، بیان شده است.^۱ آیاتی که ذکر شد بیان‌گر این است که زن و مرد دارای سرشت متفاوت نیستند، بلکه سرشت واحد و یکسان دارند، و مبدأ آفرینش هر دو، خاک و نطفه می‌گردد که از خاک، و سپس نطفه است.

مردان نسبت به یکدیگر، و نیز زنان نسبت به یکدیگر، همسرانند. در این مورد، نطفه‌ای که دو مرد و دو زن از آن جدا می‌شود، دو جنس همسر را آفریند؛ دو جنس دیگر را، نطفه‌ای که از یک مرد و یک زن جدا می‌شود، دو جنس همسر را آفریند.

نظر صفات جسمی و روحی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند، و مردان و زنان، گوهر جدا خلق نشده‌اند، بلکه مبدأ آفرینش هر دو چنان که اشاره شد، به یک اصل و حقیقت می‌رسد که خاک و نطفه است؛ یعنی همان طوری که مبدأ آفرینش مرد، خاک و گل است، مبدأ آفرینش زن نیز گل و خاک است. پس بحسب انسان، حضرت آدم، از خاک خلق شده است و نخستین زن، حوا، نیز از خاک آفریده شده است؛ نه این که حوا از دند چپ آدم خلق شده باشد صاحب تفسیر نمونه، در تفسیر آیه ﴿ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا ﴾ گفته است: « آفرینش همسر آدم از اجزای وجود خود آدم نبوده بلکه، چنان که در روایات اسلامی به آن تصریح شده، از باقی‌مانده گل او آفریده شده است اما روایتی که می‌گوید حوا از آخرین دنده چپ آدم آفریده شده است، سخن بی‌اساسی است که از بعضی روایات اسرائیلی گرفته شده، و هماهنگ با مطلبی است که در فصل دوم از سفر تکوین تورات تحریف یافته کنونی آمده است از این گذشته، این مطلب بر خلاف مشاهده و حس است.»^۲

۱- ر.ک: سوره رحمن (۵۵) آیه ۱۴ - ۱۵؛ سوره طه (۲۰) آیه ۱۱؛ سوره کهف (۱۸) آیه ۳۷؛ سوره نجم (۵۳) آیه ۲۵ - ۲۶.

۲- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱۹، ص ۳۸۱ - ۳۸۲.

شیخ طوسی از مفسران بزرگ اسلام، نیز می‌گوید: «این که حوا از دنده چپ آدم خلق شده، ضعیف و مردود است.»^۱

عیاشی در تفسیرش از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت، این سخن را که حوا از دنده چپ آدم آفریده شده، تکذیب کرده و فرموده است که پدرم از نیاکانم و آنان از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت کرده‌اند، که آن حضرت فرمود: «حوا از همان خاکی آفریده شده است که حضرت آدم از آن خاک خلق شده است.»^۲

سید شریف رضی در تفسیر ﴿خلق منها زوجها﴾ گفته است: «خداوند همسر حضرت آدم را از جنس او قرار داد، تا مایه آرامش خاطر او باشد.»^۳

شیخ طوسی در تفسیر تیان در دلیل آیه ﴿خلقکم من نفس واحدة﴾ یادآور شده است که این آیه به تمام آفرینش بشر اشاره دارد.^۱ به این معنا که آفرینش همه انسان‌ها از گوهر واحدی است، چه زن باشد و چه مرد.

ابو مسلم نیز در تفسیر این آیه گفته است: «خداوند حضرت آدم را از نفس واحد خلق کرد، و از همان نفس واحد، همسرش حوا، را آفرید.»^۵

به گفته علامه طباطبایی - رحمة الله علیه - نفس واحد همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد و اختصاص به مؤمنان ندارد.^۶ بنابراین، زنان نیز از همان نفس واحد آفریده شده‌اند.

افزون بر آنچه گفته شد، آیاتی نظیر ﴿ولقد خلقنا الانسان من صلصال من حمأ مسنون﴾^۷، ﴿خلق الانسان من صلصال کالفخار﴾^۸، ﴿ومن آیاته ان خلقکم من

۱- التیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ح ۹، ص ۷.
 ۲- تفسیر عیاشی، محمد عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، ح ۱، ص ۳، ۲۱۶.
 ۳- حقائق التأویل فی مشابیه التزیل، شریف رضی، بیروت، دار المهاجر، بی تا، ص ۳۰۹.
 ۴- التیان فی تفسیر القرآن، ح ۵، ص ۵۲.
 ۵- همان، ح ۴، ص ۴۰۹.
 ۶- المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا، ح ۴، ص ۱۲۵.
 ۷- سوره حجر (۱۵) آیه ۲۴.
 ۸- سوره رحمن (۵۵) آیه ۱۲.

تراب﴾^۱ زنان را نیز دربر می‌گیرد، زیرا در این آیات آفرینش انسان، در کنار آفرینش جن مطرح شده است؛ خداوند جنس جن را از آتش خلق کرده است و جنس انسان را از خاک؛ و این گونه آفرینش شامل زنان نیز می‌شود.

شهید مطهری در باره یکسانی گوهر آفرینش زن و مرد می‌گوید: «یا زن و مرد دارای یک طینت و سرشتند یا دارای دو طینت و سرشت؟ قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که، زنان را از جنس مردان و از سرشتهی زنان سرشت مردان آفریده‌ایم. قرآن در باره آدم اول، می‌گوید: «همد شما را از یک ندر آفریدیم و جفت آن پدر را، از جنس خود او قرار دادیم.»^۲ درباره همه آدمیان می‌گوید: «خداوند از جنس خود شما، برای شما همسر آفرید.»^۳

هرچند میان قرآن، تورات و انجیل، در اینکه آفرینش انسان از عنصر خاک است، تفاوتی وجود ندارد، اما درباره کیفیت آفرینش، دیدگاه‌های متفاوتی دارند؛ زیرا همان طور که گفته شد، انجیل^۲ و تورات^۱ آفرینش زن را، از بخشی از بدن مرد می‌داند، ولی آنچه، از قرآن کریم، و کلام رسول خدا - صلی الله علیه و آله -^۳ بر می‌آید، این است که آفرینش زن و مرد از گوهر واحد و نفس واحد است، که در آن دوگانگی یا اصل و فرعی وجود ندارد.

شهید مطهری در این باره می‌گوید:
 در بعضی از کتاب‌های مذهبی هست، که زن از مایه‌ای پست‌تر از مایه مرد آفریده شده، یا این که به زن جنبه طفیلی و چپی داده، و گفته‌اند که همسر آدم ابتدا از عضوی از اعضای طرف چپ او آفریده شده است؛^۴ در اسلام و قرآن

۱- سوره روم (۳۰) آیه ۲۰؛ سوره فاطر (۳۵) آیه ۱۳؛ سوره غافر (۴۰) آیه ۶۷.
 ۲- نظام حقوقی زن در اسلام، مرضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.
 ۳- انجیل برابا، فصل ۳۹، آیه ۲۹ - ۳۳.
 ۴- تورات، سفر پیدایش، باب اول، آیه ۲۷.
 ۵- قال رسول الله - صلی الله علیه و آله - : «ان الله تبارک و تعالی اخذ قبضه من طین فخلطها ببيمه، و کلتا یدیه بيمين، فخلق منها آدم و فضلت فضله من الطین فخلق منها زوجها»، تفسیر عیاشی، محمد عیاشی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا، ح ۱، ص ۲۱۶.
 ۶- تورات، سفر پیدایش، باب اول، آیه ۲۷.

نظریه‌های این چنین تحقیرآمیز، درباره سرشت و طینت زن وجود ندارد.^۱ بنابراین، در آموزه‌های شریعت نبوی نگاه طفیلی و تحقیرآمیز به زنان از لحاظ خلقت و آفرینش آنها نفی شده است و تمام زنان و مردان، از زن و مرد نخستین گرفته تا به امروز و تا قیام قیامت، از یک طینت و گوهر آفریده شده‌اند. از این رهگذر زنان در شریعت محمد - صلی الله علیه و آله - به خوبی توانسته‌اند در جایگاه واقعی خویش قرار گیرند

۲ تساوی زن و مرد در کرامت انسانی

حالی که گذشت، در سربت نبوی، نگاه تحقیرآمیز به زنان، از این رهگذر که آنان فاقد کرامت انسانی، و ناتوان از کسب جایگاه ارزشی و معنوی‌اند، به شدت نفی شده است. و زنان در مکتب حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - توانسته‌اند از نحاط کرامت و فصیلت، جایگاه واقعی و ارزشی خویش را به دست آورند، به گونه‌ای که در کرامت انسانی و کسب ارزش‌های معنوی بین زن و مرد تبعیض دیده نمی‌شود.

همچنین زنان در مکتب نجات‌بخش پیامبر مورد ستایش قرار گرفته‌اند، و به دلیل داشتن کمالاتی که آنها را مستحق «حیا طیبیه» و پاداش می‌کند، همسان با مردان، در قرآن کریم، از آنها یاد شده است. این مطلب از آیه‌های بسیاری استعاده می‌شود، از جمله:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ انْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲

«هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و به آنان به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.»

۱- نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۷.
۲- سوره سحل (۱۶) آیه ۹۷

﴿وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ انْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُكْرِمَنَّاهُ بِذِكْرِ الْوَيْدِ وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ﴾^۱

«هر کس عمل نیکی انجام دهد، چه مرد و چه زن، در صورتی که مؤمن باشد داخل بهشت خواهد شد، و به قدری رزق و روزی به ایشان عطا می‌شود که حساب ندارد.»

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِّن ذَكَرٍ أَوْ انْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُكْرِمَنَّاهُ بِذِكْرِ الْوَيْدِ وَكَانَ فِي الْجَنَّةِ وَلَا يَظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾^۲

«هر کس [کاری] از کارهای نیک را انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که ایمان داشته باشد، داخل بهشت می‌شود و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.»

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾^۳

«آن کس که کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، نه از ظلمی می‌ترسد، و نه از کم شدن حقی [از او].»

در این آیات و نیز در دیگر آیات^۴، زن و مرد به طور یکسان و بدون در نظر گرفتن اختلاف جنسشان، مستحق پاداش و حیات طیبیه، دانسته شده‌اند، و تصریح شده بر این که خداوند عمل هیچ کدام را ضایع نمی‌کند و هر یک، ثواب و پاداش اعمال خویش را می‌بینند.

افزون بر آن، بعضی از زنان، نظیر حضرت مریم مورد تکریم و لطف خداوند قرار گرفته‌اند و از آنان به نیکی و شایستگی خاصی در قرآن یاد شده است؛ چنان که در سوره آل عمران از حضرت مریم به دلیل پاکیزگی‌اش، به عنوان زن برگزیده یاد شده و از سوی خداوند سبحان غذای مخصوصی در محراب عبادت به او عطا

۱- سوره غافر (۴۰) آیه ۴۰
۲- سوره ساء (۴) آیه ۱۲۴.
۳- سوره طه (۲۰) آیه ۱۱۲.
۴- سوره حدید (۵۷) آیه ۱۲؛ سوره آل عمران (۳) آیه ۱۹۵؛ سوره انبیاء (۲۱) آیه ۹۴؛ سوره طه (۲۰) آیه ۱۱۲.

می شده است. نیز از زن فرعون به عنوان نمونه برای مؤمنان یاد شده است.^۱

این آیات می‌رسانند که «کسب ارزش والای انسانی»، و «رسیدن به مقام قرب الهی»، به جنسیت مربوط نیست، بلکه کسب ارزش به میزان ایمان و عمل صالح بستگی دارد، خواه زن باشد، خواه مرد؛ زندگی میدان مسابقه و رقابت سالم میان زنان و مردان در کسب ارزش و مقام والای انسانی است، و از این رهگذر میان زن و مرد تفاوتی به چشم نمی‌خورد.

۳ - عدم تبعیض در تکلیف و نیایش

در قرآن کریم، هدف از آفرینش انسان، پرستش خداوند سبحان و رسیدن به کمال، در سایه عبادت است؛ چنان که فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْجِنَّ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۲ و واژه «انس» در برابر «جن» آمده است و به طور یکسان زن و مرد را در بر می‌گیرد.

در مکتب رسول الله - صلی الله علیه و آله - زن و مرد هر دو قابلیت تکلیف دارند، و برای تحمل مسئولیت یکسان مورد خطاب قرار گرفته‌اند و در نیایش و عبادت، مسئولیت‌های یکسانی به عهده آنها نهاده شده است. از نظر قابلیت تکلیف و عبادت، رفتارهای تبعیض آمیز جنسیتی میان آنها وجود ندارد. اگر در پاره‌ای از موارد برخی از مسئولیت‌های سخت و زحمت‌آور از دوش زن برداشته شده، به این دلیل است که مایه رنج برای زن، یا ناسازگار با جسم لطیف و توان اوست؛ نظیر مشارکت در جهاد مسلحانه که به یقین برای احترام و مراعات حالت جسمی و روحی بانوان است، هرچند که راه مشارکت در جهاد به نحو داوطلبانه برای بانوان باز و بی‌اشکال است؛ چنان که در صدر اسلام، زنان، چنین مشارکتی داشتند.^۳

۱- سوره آل عمران (۳) آیه ۴۲، ۲۷؛ سوره تحریم (۶۶) آیه ۱۱.

۲- سوره ذاریات (۵۱) آیه ۵۶.

۳- سوره الفاتحه، کتب معتبره - دار الفکر، ۱۳۹۶ - ۲ - ۱۵۹۰.

به چند آیه از قرآن کریم، توجه کنید که در آنها، تکلیف زن و مرد یکسان است:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَمُرُّونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱

«مردان و زنان مؤمن و سرپرست یکدیگرند. امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز به پا می‌دارند، زکات می‌پردازند، و فرمان‌بردار خدا و رسولند. خدا به زودی آنان را مورد مرحمت خود قرار می‌دهد. به یقین خدا عزیز و حکیم است.»

در این آیه می‌بینیم که زنان همانند مردان، به کارهای مهمی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، پرداخت زکات از مال خویش، پیروی از فرمان‌های خدا و رسول می‌پردازند، و در شأن و منزلت این وظایف فردی و اجتماعی، تفاوت جنسیتی میان آنها گذاشته نشده است.

﴿إِنَّ الْمَصَدِّقِينَ وَالْمَصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعف لهم ولهم اجر كريم﴾^۲

«مردان و زنان انفاق کننده، و آنها که از این راه [به خدا قرض دهند] این قرض [برای آنان مضاعف می‌شود و پاداش پرارزشی دارند.»

در این آیه زنان در کنار مردان برای انجام کارهای نیک، نظیر کمک به درماندگان و تهیدستان، دست‌گیری از آنها، با پرداخت صدقه و قرض‌های بلاعوض، مورد تکریم، و مستحق اجر و پاداش مضاعف واقع شده‌اند.

از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که در آموزه‌های شریعت نبوی، زنان از نظر به عهده داشتن تکالیف عبادی و مسئولیت‌های اجتماعی، شأن و منزلت خاصی دارند که هرگز قابل قیاس با شأن و منزلت زن در گذشته تاریخ، نیست.

۱- سوره نوبه (۹) آیه ۷۱.

۲- سوره حدید (۵۷) آیه ۱۸.

افزون بر همه این‌ها «قرآن در تمام مواردی که داستان خلقت آدم، و حکم الهی به نزدیک نشدن او به درخت ممنوع را بیان می‌کند و سرانجام فریب خوردن او از وسوسه‌های شیطانی و اخراجش از بهشت را شرح می‌دهد، آدم و همسرش را یکسان مورد خطاب قرار می‌دهد، نه از مسئولیت همسر آدم چیزی می‌کاهد و نه از سست‌تر بودن او در انجام امر الهی و زودتر فریب خوردنش سخن می‌گوید.^۱ از جمله آیاتی که به این موضوع اشاره دارد:

«ایاد کن | هنگامی که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید، همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (او به سبب نافرمانی و تکبرش) از کافران شد؛ و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌های آن، از هر جا می‌خواهید، گوارا بخورید | اما | نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد.»^۲

«گفتیم) ای آدم! تو و همسرت ساکن بهشت شوید، بعد از آن شیطان آنان را وسوسه کرد تا عورت ایشان را که پوشیده و پنهان بود به ایشان نمایاند. شیطان به آنان گفت: پروردگار شما، از نزدیک شدن شما به این درخت جلوگیری نکرده، مگر به دلیل این که شما دو فرشته یا از افراد جاویدان می‌شوید، و شیطان برای حضرت آدم و حوا سوگند یاد کرد که به یقین هدف من پند و اندرز شما است، شیطان ایشان را از مقامشان فرود آورد، هنگامی که از آن درخت چشیدند عورتشان برایشان پدیدار شد، حضرت آدم و حوا گفتند: ای پروردگار ما! ما به خویشتن ستم کردیم.»^۳

بنابراین، از نگاه کلی به آموزه‌های دین نبوی، به خوبی به دست می‌آید که رن از نظر قابلیت تحمل تکلیف و عبادت خداوند سبحان، جایگاه برارنده‌ای را در مکتب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به دست آورده و از رفتار اسف‌بار و

تحقیرآمیز گذشتگان بیرون آمده است.

۴ - نجات دختران از زنده به گور شدن

کشتن دختران و زنده به گور شدن بی‌گناهان، از دردناک‌ترین رفتارهای غیر انسانی در عصر جاهلیت نسبت به دختران است. هرچند، دامنه چسبن رفتار بی‌رحمانه و غیرقابل تحمل، در میان تمام قبیله‌های عرب وجود نداشت، و تنها در میان پاره‌ای از قبیله‌ها مرسوم بود، ولی عملی نادر و اتفاقی نبود.

در آن روز از بین بردن دختران به شکل فجیع‌تری صورت می‌گرفت، ولی امروز به شیوه مدرن آن، عمومیت بیشتری یافته و سقط جنین و از بین بردن آنها امر رایج این عصر و زمان شده است. در آن روز نوزادان، به خصوص دختران، بعد از تولد کشته می‌شدند، ولی امروز در شکم مادر نابود می‌شوند.

در عصر جاهلیت حتی در ادیان و مکاتب آن زمان نیز، به زنان به عنوان موجود پست، ابزار تولید نسل، خدمتکار مرد و موجود شرور نگاه می‌شد، تا جایی که اگر مادری دختر می‌زاید مایه ننگ و شرمساری شوهر و قبیله بود، و از شنیدن خبر تولد نوزاد دختر، عصبانی می‌شد و از شدت خشم رنگ چهره‌اش سیاه شده، برای شستن لکه ننگ، از دامنش، دختر را زنده به گور می‌کرد. سرگذشت اسف‌بار زنان و دختران عصر جاهلیت در قرآن کریم^۱ و متون تاریخی حکایت شده است^۲

یکی از کارهای مهمی که در عصر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - صورت گرفت، مبارزه با این پدیده شوم بود. در مکتب حیات‌بخش اسلام که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - مأمور ابلاغ و تحقق آن در جامعه بود، کشتن دختران به شدت نکوهش و عملی زشت و ناروا شمرده شده، و قرآن کریم در آیات زیادی،

۱- حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۲۲ - ۲۲۲.

۲- سوره بقره (۲) آیه ۲۴ - ۳۵.

۳- ا.ا. آ (۱۱) آ ۱۹ - ۲۳.

۱- سوره نحل (۱۶) آیه ۵۸ - ۵۹؛ سوره نکیر (۸۱) آیه ۸ - ۹؛ سوره انعام (۶) آیه ۱۵۱.

۲- المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام، جواد علی، بیروت، دارالمسلم للتحلیف، ۱۹۷۰، ص ۵، ص ۵۲۸.

برده از رفتار زشت و غیر انسانی اعراب جاهلی، نسبت به دختران و زنان برداشته است:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ فَلَا وَجْهَ لَهُمْ سِوَا وَهْوِ كَتْلِيمٍ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^۱

«هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختر نصیب تو شده صورتش از فرط ناراحتی سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌شد به دلیل این بشارت بد، از قوم خود دور می‌شود؛ او نمی‌داند آیا او را با قبول تنگ نگه‌دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد حکم می‌کنند.»

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمُرْتَدِينَ وَالْمَوْلَاتِ الْمَسْكُونَاتِ أُولَٰئِكَ لَا تُحَلِّقُونَ بِكُمْ أَرْوَاحَهُمْ وَإِن يَأْتُوا بِبُرْهَانٍ﴾^۲

«بگو: بیایید تا آنچه را که پروردگار بر شما حرام کرده است برای شما بخوانم: چیزی را برای خدا شریک قرار ندهید، و به والدین خویش نیکو کنید، و فرزندان خود را از خوف تنگدستی به قتل نرسانید، ما شما و ایشان را روزی می‌دهیم.»

در این آیه خداوند به نیک رفتاری با پدر و مادر دستور داده و از کشتار فرزندان به شدت نهی کرده است، و تأکید کرده که به سبب تنگدستی یا زندگی بهتر فرزندان و نسلتان را از بین نبرید؛ زیرا خداوند خود روزی آنان را به عهده گرفته است. اما امروزه برای برخورداری از رفاهی بیشتر نابودی انسان در رحم مادر به طور گسترده انجام می‌شود.

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^۳

«در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود به کدامین گناه

کشته شدند؟»

قابل توجه این که در شریعت نبوی، به قدری کشتار دختران بی‌گناه زشت شمرده شده است که رسیدگی به این جنایت شرم‌آور در روز قیامت، مقدم بر مسئله نشر نامه‌های اعمال و دادخواهی در مسائل دیگر، دانسته شده است، و این نهایت اهتمام نظام اسلامی به خون انسان‌ها و به خصوص انسان‌های بی‌گناه را می‌رساند، و نیز بیان‌گر اهمیت رسیدگی به خون دختران بی‌گناه است

قرآن نمی‌گوید: «از قاتلان سؤال می‌کنند»، بلکه می‌گوید: «از این کودکان معصوم سؤال می‌شود که گناهشان چه بوده است که چنین بی‌رحمانه کشته شدند؟» گویی قاتلان ارزش بازپرسی را هم ندارند، به علاوه شهادت و گواهی این مقتولان به تنهایی کافی است.^۱

نکته قابل توجه این که قتل فرزندان در بعضی از قبایله اختصاص به دختران نداشت، بلکه برای بیشتر مشرکان کشتن فرزندان به عنوان عملی خوشایند به حساب می‌آمد؛ چنان که خداوند فرموده است:

﴿وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُزِدُوهُمْ وَّ يَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾^۲

«همچنین شریک‌های آنها (یعنی بت‌ها) قتل فرزندانشان را در نظرشان خوب جلوه داده بودند (کودکان خود را قربانی بت‌ها می‌کردند و به این کار افتخار می‌کردند) و عاقبت این کار چنین شد که آنها را به هلاکت افکندند و آیینشان را دگرگون ساختند و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند؛ زیرا می‌توانست به اجبار جلو آنان را بگیرد ولی اجبار سودی ندارد؛ بنابراین آنها و تهمت‌هایشان را به حال خود واگذار (و به اعمال آنها اعتنا مکن).»

۱- رک تفسیر نمونه، آیه الله مکارم شیرازی، ج ۲۶، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲- سوره بقره، آیه ۱۳۷.

۱- سوره نحل (۱۶) آیه ۵۸ - ۵۹.

۲- سوره انعام (۶) آیه ۱۵۱.

۳- سوره تکویر (۸۱) آیه ۸ - ۹.

معنای کلمه «اولاد» در این آیه اعم از دختر و پسر است.

قتل فرزندان از جمله دختران بر اساس بینش مشرکانه و عقاید خرافی آن روز استوار بود که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - سنت‌ها و عقاید باطل مشرکان را از میان برداشت؛ رفتارهای ناروای آنان با فرزندان و از جمله دختران را روشن ساخت؛ جامعه را از این اعمال ننگین برحذر داشت، و چنین رفتار ناشایستی را به عنوان رفتاری زیانبار و کاری باطل، اعلام کرد که نتیجه آن از نظر انسانی و عاطفی جز زیان چیز دیگری در بر نداشت. کلام خداوند را برای مردم بیان داشتند:

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾^۱

«به یقین آنان که فرزندان خود را از روی نادانی کشتند، زیان دیدند و آنچه را که خدا به آنها روزی داده بود، بر خود تحریم کردند، و بر خدا دروغ بستند، آنها گمراه شدند و [هرگز] هدایت نیافتند.»

بنابراین، یکی از کارهای مهم و برجسته‌ای که در عصر رسول خدا - صلی الله علیه و آله - انجام گرفت، موضع‌گیری و مقابله قاطع و همه‌جانبه با پدیده شوم دخترکشی بود. در آن زمان زن بودن چنان مایه ننگ قبیله بود، که در قدم‌های نخستین تولد، مرگ در انتظار آنها بود، و نجات یافتن آنها به وسیله مکتب رسول خدا - صلی الله علیه و آله - بزرگ‌ترین ارمغان زندگی برای زنان بود؛ و از این رهگذر نیز زنان جایگاه رفیعی در شریعت نبوی پیدا کردند، که برترین دستاورد برای زنان محسوب می‌شود.

۵ - زن و مرد حامی و پوشش یکدیگر

پاره‌ای از آموزه‌های دینی غیر از اسلام، به دلیل نگرش تبعیض‌آمیز به زنان، علت

غایبی خلقت زن را، مرد می‌دانستند، و می‌گفتند: «زن برای مرد خلق شده است»^۱ ولی در مکتب رسول الله - صلی الله علیه و آله - زن و مرد به عنوان حامی و پوشش^۲ مکمل و مایه آرامش و الفت یکدیگرند، نه این که یکی وجود امرای و غایبی باشد و دیگری دارای وجود مقدمی و طفیلی. چنان که آیات زیر دلالت بر این مطلب دارد:

﴿هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لِهِنَّ﴾^۳

«آنان لباس شما و شما لباس آنانید (هر دو زشت هم و سبب حفاقت یکدیگرید).»

مراد این است که زنان و مردان به منزله لباس برای یکدیگرند. گروهی گفته‌اند منظور از لباس، سکنی است؛^۴ به این معنا که زن برای مرد و مرد برای زن مایه آرامش و حفاظت است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾^۵

«از جمله آیات خداوند این است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان شما مهربانی قرار داد.»

در این آیات، از زن و مرد، به عنوان پوشش و لباس برای یکدیگر نام برده شده است، و لباس حکم حمایت و حفاظت را دارد،^۶ و این حمایت و حفاظت نسبت به زن و مرد دو طرفه است، و خداوند، جاذبه، و دوستی میان مرد و زن را برای هر دو جنس ایجاد کرده است، تا این جاذبه دوسویه باشد، و هر کدام باعث آرامش یکدیگر شود. خداوند در این آیه فرموده است: «از نشانه‌های خداوند این

۱- انجیل، رساله پولس رسول به قرنتیان، باب یازدهم، آیه ۹.

۲- رک: سوره بقره (۲) آیه ۸۹.

۳- سوره بقره (۲) آیه ۱۸۷.

۴- رک: الثبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ج ۲، ص ۱۲۲.

۵- سوره روم (۳۰) آیه ۲۱.

۶- الثبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۲۲.

است که از خودتان جفت آفریده. مرجع ضمیر در کلماتی مثل «لکم»، «انفسکم»، و «جعل لکم» یک چیز است که زن و مرد هر دو را شامل می‌شود و در این آیه، هر دو را مورد نیاز یکدیگر معرفی کرده است. از این لحاظ نیز زنان جایگاه ارزشمندی در آموزه‌های نبوی به دست آوردند؛ و از تحقیر طفیلی بودن رهایی پیدا کردند.

۶- حقوق زنان در قراردادها

زنان پیش از اسلام، از حق مالک‌شدن، قرارداد بستن، معامله کردن و ... محروم بودند، اما در آیین محمدی به این حقوق دست یافتند، به گونه‌ای که ازدواج مرد بدون رضایت زن، یا وکیل او، باطل و بی‌اثر اعلام شده است. اسلام، با قراردادن شرط رضایت زن و همچنین تعیین مهر به وسینه آنها، از ازدواجهای اجباری و ننگ‌آوری که مایه زبونی زنان بود جلوگیری کرد.

زنان پیش از اسلام، از حقوق اجتماعی و سیاسی نیز محروم بودند. آنان در شریعت نبوی حق مشارکت در امور اجتماعی را به دست آوردند، تا جایی که در کلام خداوند آمده است:

﴿يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبایعنك على ان لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن ولا يزنبن ولا يقتلن اولادهن ولاياتين بيهتان يفتريه بين ايديهن وارجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن واستغفر لهن الله ان الله غفور رحيم﴾^۱

«ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، ایه هیچ‌کس اتهام نزنند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنان بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آموزش بطلب که خداوند آموزنده و مهربان است.»

۱- سوره متحنه (۶۰) آیه ۱۲.

رسول خدا - صلی الله علیه و آله - درخواست امان زنان رامی پذیرفت، چنان که آن حضرت به همسر عکرمه، «ام حکیم، دختر حارث» امان داد،^۱ و این دلیلی برای صلاحیت مشارکت اجتماعی و سیاسی زنان، از نظار رسول خدا صلی الله علیه و آله - شناخته شده است؛ زیرا اگر از دیدگاه ایشان، زنان صلاحیت نمی‌داشتند، به آنها اعتماد نمی‌شد.^۲

در مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله زنان صلاحیت بیعت و رای را پیدا کردند، و اگر چنین حقی نمی‌داشتند، با رسول خدا بیعت نمی‌کردند؛ در حالی که در میان ۷۲ نفر مسلمان یثربی، که در مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند، دوزن نیز شرکت داشتند، یکی «ام عماره»، به نام «نسیبه» و دیگری «ام متیع» به نام «اسماء». این بیعت، یک بیعت سیاسی بود، چون آنان، برای جهاد در راه خدا و حمایت از رسول الله - صلی الله علیه و آله - بیمان بستند.^۳

در بیعت رضوان، نیز زنان زیادی با پیامبر بیعت کردند.^۴

طبری پس از بیان حادثه فتح مکه، درباره بیعت زنان با رسول خدا - صلی الله علیه و آله - گفته است: «مردم در مکه برای بیعت با رسول خدا - صلی الله علیه و آله - جمع شدند، بعد از آن که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از بیعت مردان فارغ شدند، زنان با آن حضرت بیعت کردند. در میان جماعت زنان قریش تنها هند دختر عتبه بود که از رفتار غیر انسانی‌اش با پیکر حمزه سیدالشهداء، بیمناک بود.»^۵

از جمله زنانی که در صحنه پیکار مشارکت داشتند، «نسیبه بنت کعب»، در

۱- تاریخ طبری، ابن جریر، بیروت، مؤسسه اعلمی، ص ۲، ح ۲، ص ۲۳۹، ۲۳۶.
 ۲- مشارکت سیاسی زن، هبه رئوف، ترجمه محسن آرمین، تهران، قطره، ص ۸۲.
 ۳- تاریخ طبری، ابن جریر، ج ۲، ص ۹۲؛ البدایة و النهایة، اسماعیل بن کثیر دمشقی، دارالاحیاء التراث العربی، ح ۲، ص ۱۹۵؛ سیرة النبویة، ابن کثیر ح ۲، ص ۱۹۷.
 ۴- ر.ک: البدایة و النهایة ح ۳، ص ۱۶۸، ج ۲، ص ۳۶.
 ۵- تاریخ طبری، ح ۲، ص ۳۳۸.

جنگ احد، ام سلمه، در جنگ بدر، احد،^۱ و طائف^۲ و ام سنان اسلمی، در جنگ خیبر^۳، سلمه ام حکیم، ام عطیه و نیز دیگر زنان، برای آب رسانی، درمان مجروحان و انواع کمک رسانی به مبارزان، در صحنه جنگ حضور داشتند که شرح آنها در متون تاریخی، از جمله در «شرح الکبیر» و «معنی المحتاج» آمده است.^۴

به عنوان مثال در کتاب «معنی المحتاج» آمده است: دستهای نسبی در پیکار قطع شد.^۵

شیبانی در «سیر الکبیر» از فداکاری «ام سلیم» در روز حنین نام برده و سخن رسول خدا - صلی الله علیه وآله - را درباره مقام و جایگاه «نسبیه» ذکر کرده که آن حضرت فرمود: «جایگاه نسبیبه دختر کعب، برتر از جایگاه فلان و فلان است» سپس آن حضرت از فراریان از جنگ نام برد، و مقاومت و پیکار زنان را ستود.^۶

نیز ابن عباس روایت کرده که رسول خدا - صلی الله علیه وآله - به زنان اجازه می داد به جبهه جنگ بروند آنها به مداوای مجروحان می پرداختند و از غنیمت های جنگی نیز سهم می بردند.^۷

ام عطیه گفته است: «من با رسول خدا - صلی الله علیه وآله - در هفت جنگ شرکت کردم، از اثاثیه مجاهدان مراقبت می کردم، برای آنها غذا می پختم، زخمیان را درمان می کردم و به امور آنها رسیدگی می کردم».^۸

۱ - تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۴۱۴ طبقات کبری: ابن سعد، ج ۸، ص ۲۱۵.
 ۲ - الذیاء و النهایة، ج ۴، ص ۳۹۹.
 ۳ - طبری، اس جری، ج ۳، ص ۳۱۰؛ تاریخ ابن معین، بحیر بن معین الدوری، ج ۱، ص ۱۰۸.
 ۴ - شرح الکبیر، عبدالرحمن ابن قدامه، بیروت، دارالکتب المرسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۲۷؛ سنن دارمی، عبدالله دارمی، دمشق، اعتدال، ج ۲، ص ۲۱۱.
 ۵ - شرح الکبیر، ج ۱۰، ص ۴۲۷؛ معنی المحتاج، ج ۴، ص ۲۲۱.
 ۶ - السیر الکبیر، محمد بن حسن شیبانی، بی تا، ص ۱، ج ۱، ص ۲۰۰.
 ۷ - سفارشات پیامبر اکرم به دختران و زنان، الدكتور السید الجمیلی، ترجمه سید مهدی شمس الدین، قم، دار الفکر، ۱۳۸۳ ش، ص ۶۰.
 ۸ - همان.

هنگامی که پیشانی مبارک رسول خدا - صلی الله علیه وآله - در جنگ احد زخم برداشت، حضرت فاطمه، سرور زنان عالم، خون را پاک می کرد، و علی - علیه السلام - آب می ریخت. حضرت زهرا علیها السلام وقتی دید خون قطع نمی شود، قطعه حصیری برداشت و سوراخید، و خاکستر آن را بر زخم رسول الله ریخت، و خون قطع گردید.^۱

در اسلام، مسجد، مهم ترین پایگاه عبادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است، و زنان در دینی که حضرت محمد - صلی الله علیه وآله - آن را پایه نهاد، شایستگی فعالیت و حضور در صحنه اجتماع را پیدا کردند. در مسجد حاضر می شدند؛ و حتی در ساختن مسجدی که آن حضرت پایه نهاد، حق مشارکت پیدا کردند. چنین مشارکتی نمونه ای از مهمترین مشارکت زنان در امور اجتماعی به شمار می رود.

۷ - صلاحیت شهادت و حضور در محکمه

زنان در نزد پاره ای از ادیان غیر طاهر خوانده شده اند. در تورات آمده است: زن اگر وضع حمل کند و حملش دختر باشد تا هشتاد روز نجس است.^۲ در دین یهود شهادت زن ارزش ندارد. آنچه اعتبار دارد شهادت مرد بالغ است.^۳

در دین اسلام زنان صلاحیت شهادت و حضور در محکمه را پیدا کردند، تا جایی که شهادت آنان از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار گردید و در مواردی، از جمله قرض، شهادت دو زن، برابر شهادت یک مرد قرار گرفت، چنان که در قرآن آمده است:

﴿یا ایها الذین آمنوا اذا تدايتم بدين الى اجل مسمى فاكتبوه فليكتب بينکم کاتب بالعدل واستشهدوا شہیدین من رجالکم فان لم یکنوا

۱ - همان.
 ۲ - تورات، سفر لاویان، آيات (۵ - ۵.
 ۳ - سیری در تلمود، آدین اشتاین سالتز، مترجم باقر طالبی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۴۴.

رجلین فرجل وامراتان ممن ترضون من الشهداء ان تفضل احدهما فتذكر احدهما الاخری^۱

ه‌ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زبه سبب وام یا داد و ستد به یکدیگر بدهکار شدید و بدهکاریتان مدت معینی داشت، آن را بنویسید و بایده نویسنده‌ای از روی عدالت، اسناد را در میان شما بنویسد و دو نفر از مردان عادل خود را بر این حق شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید.

۸- ارث بردن زنان

در دین اسلام سنت ناپسند محرومیت زنان از ارث نفی شد و حق ارث برای زنان و دختران امر مسلم و قطعی شناخته شده است که در پاره ای از موارد، سهم زنان به نصف سهم مردان می رسد، و در پاره ای از موارد سهم آنها بیشتر از سهم مردان است. تفاوت ارث برای زنان حکمتی دارد که باید در جای خودش مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از جمله این حکمت‌ها این که در نظام دینی، بار سنگین مالی و تأمین هزینه زندگی خانواده به دوش مردان نهاده شده؛ و از این رو نیازهای مالی مردان نسبت به زنان دو چندان است، با همه این‌ها حق ارث در شریعت نبوی برای زنان امری قطعی شناخته شده است، که کسی حق ندارد آنان را از این حق محروم کند. بدین سان زنان در مکتب رسول خدا توانستند از محرومیت ارث، نجات پیدا کنند و کرامت و جایگاه واقعی خویش را در باورها و آموزه‌های شریعت اسلام پیدا کنند.

از جمله آیاتی که این حق را برای زنان مسلم شناخته آیه زیر است:

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ خِطَاءِ الْأُنثَيَيْنِ﴾^۱

۱- سوره بقره (۲) آیه ۲۸۲.
۲- سوره نساء (۴) آیه ۱۱.

«خداوند به شما درباره فرزندانان سمارش می‌کند که سهم پسران دو برابر سهم دختران است.»

نکته قابل توجه در آیه این است که بر ارث بردن دختران تأکید کرده است این جمله که «پسران دو برابر سهم دختران ارث می‌برند» تأکیدی برای ارث بردن دختران به حساب می‌آید و در واقع، مبارزه با سنت‌های جاهلی است که دختران را به کلی از ارث محروم می‌کردند.^۱

﴿فَإِنْ كُنْ نِسَاءً فَمِثْلَ مَا تُرِثْنَ مَا تُرِثْنَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ﴾^۲

«اگر فرزندان میت، (دختر باشند و) بیشتر از دو تا باشند، دو ثلث مال از آن آنها است، ولی اگر تنها یک دختر بوده باشد نصف مجموع مال از آن اوست.»

﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا﴾^۳

«برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان باقی می‌گذارند سهمی است، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است که باید پرداخت شود.»

قتاده، ابن جریج و ابن زید درباره شأن نزول این آیه گفته‌اند که در دوران جاهلیت عرب، تنها مردان وارث شناخته می‌شدند. زنان و کودکان را از ارث محروم می‌ساختند؛ و این آیه در رد آنها نازل شد.^۴

زجاج درباره شأن نزول این آیه گفته است: در میان عرب تنها کسانی که

۱- رک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۸۹.
۲- سوره نساء (۴) آیه ۱۱.
۳- سوره نساء (۴) آیه ۷.
۴- الثبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۱۲۰.

توان نبرد و توانایی دفاع از حریم ناموس و مال را داشتند، حق ارث داشتند و این آیه برای باطل کردن چنین عقیده ای نازل شد.^۱

بدین سان حضرت محمد - صلی الله علیه و آله - در پرتو کلام نورانی قرآن، زنان را از محرومیت همیشگی نجات داد، و آنها توانستند با پیدا کردن جایگاه واقعی خویش زندگی آبرومندانهای به دست آورند.

۹ - حق سواد آموزی

به زنان در کلیساها، دستور سکوت و خاموشی داده شده است؛ تورات سخن گفتن برای زنان در کلیسا را جایز نشمرده است.

پولس می گوید: «در کلیساها خاموش باشند؛ زیرا که برای ایشان حرف زدن جایز نیست، چنان که تورات نیز همین را می گوید.»^۲

در آتن نیز زنان و دختران فقط در خانه تحصیل می کردند، و از تحصیلات عالی محروم بودند. تنها زنان اندکی، آن هم از میان زنان بدکاره سرشناس می توانستند به تحصیلات عالی دست یابند.^۳ ولی در دین اسلام نه تنها زنان از نعمت سوادآموزی محروم نیستند، بلکه به فراگیری دانش تشویق شده اند؛ زیرا ستایشی که در شریعت نبوی - صلی الله علیه و آله - از دانشمندان، و افراد با ایمان شده زنان را نیز دربر می گیرد؛ چون هر جا در قرآن افراد مؤمن مورد خطاب قرار گرفته اند، زنان نیز مورد خطابند، مثل این آیه شریفه:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^۴

«خداوند کسانی را که ایمان آورده اند و کسانی را که علم به آنان داده شده

درجات عظیمی می بخشد و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است.»

زنان با داشتن حق کسب دانش، جایگاه اصلی و فطری خویش را در مکتب و آیین محمد - صلی الله علیه و آله - بازیافتند؛ پیامبر بارها کسب دانش را بر همه مسلمانان، بر زن و مرد، به عنوان تکلیف اعلام کرد، و در قرآن کریم تیز، بر علم و دانایی به گونه ای تکیه شده است که شامل زنان نیز می شود. آنجا که قرآن کریم می فرماید: «یا اینان که می دانند با آنان که نمی دانند، یکسانند»^۱ پس اگر دانستن و دانایی یک ارزش است، دلیلی نداریم که این ارزش ویژه مردان باشد؛ زیرا زنان نیز انسان، بنده، و مخلوق خداوند سبحانند که وظیفه هایی را به عهده دارند.

از سوی دیگر، به جا آوردن بسیاری از تکالیفی که بر دوش زنان است، نیاز به علم دارد، و با کسب علم بهتر می توانند تکالیف های دینی شان را انجام دهند.

پیامبر - صلی الله علیه و آله - که مبلغ و مفسر وحی الهی است، فرموده است: «طلب العلم فريضة»^۲؛ «طلب دانش یک تکلیف است.»

در این حدیث قید زن یا مرد ندارد، بلکه گفته است که تحصیل دانش تکلیف است. تکلیف همه مکلفان را در بر می گیرد، و زنان نیز از کسانی اند که وظایفی به عهده دارند.

در پاره ای از احادیثی که از آن حضرت وارد شده، فراگیری دانش، بر تمام مسلمانان واجب دانسته شده است. آن حضرت فرموده است:

«طلب العلم فريضة على كل مسلم»

این حدیث را حضرت علی^۳ - علیه السلام -، ابن عباس و دیگران از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت کرده اند.^۴ کلمه «كل مسلم» شامل زنان نیز

۱- ﴿قل هل يستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون انما ینذکر اولوا الالباب﴾ سوره زمر (۳۹) آیه ۹

۲- اصول کافی، محمد کلینی، ج ۱، ص ۳۱.

۳- بصائر الدرجات، محمد صفار، تهران، مؤسسه اعلمی، ۱۳۶۲، ص ۲۳.

۴- سنن ابن ماجه، محمد بن ماجه قزوینی، دار الفکر، ج (۱) ص (۸۱)، مجمع الزوائد، نورالدین هبش، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۱۹.

می‌شود، زیرا زنان مسلمانند.

در بعضی از احادیث واژه «مسلمه» یعنی زن مسلمان نیز ذکر شده به این معنا که کسب دانش و علم بر مرد و زن مسلمان واجب شده است چنان که از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت شده که آن حضرت فرموده است: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة»^۱.

شاید آوردن قید «مسلمه» در حدیث شریف، به این جهت باشد که ممکن است برخی چنین بپندارند که زنان مانند پیش از اسلام، از کسب دانش محرومند، به این دلیل که، زنان در حدیث دیگر ذکر نشده است. آوردن قید «مسلمه» جای هیچ گونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که کسب دانش و فضیلت نیز حق زنان است.

زنان در عصر رسول الله - صلی الله علیه و آله - بهترین موقعیت را در نظام نوپای اسلامی یافتند؛ زیرا کلام نورانی رسول خدا، که برگرفته از وحی الهی بود، زنان را به سوی کسب کمال و دانش هدایت کرد، و زنان مقام و جایگاه والای خود را باز یافتند؛ تا جایی که زنان زیادی به عنوان راوی سخنان پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله - ظهور کردند.^۲ آنان به بیان حدیث و تبلیغ سخنان رسول گرامی اسلام می‌پرداختند و با حضور در مسجدها و مجلس‌های علمی هویت از دست داده خویش را به دست می‌آوردند.

دکتر احمد شبلی درباره فعالیت زنان در عرصه تحصیل، تدریس و نشر دانش گفته است که زنان در عصر رسول الله - صلی الله علیه و آله - نه تنها از حق کسب دانش برخوردار بودند بلکه حق تدریس و نشر دانش را در میان مردان و زنان نیز داشتند، و در میان زنان، استادان زیادی، در بخشهای گوناگونی از دانش

۱- کتر الفوائد، محمد ابن الفتح کراچکی، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۹؛ مصباح الشریعة، امام صادق، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۰، ص ۲۲، مستدرک الوسائل، میرزا حسین توری، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۴۹؛ المحصول، محمد راری، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۷۸.

۲- رک: زبان نامی در تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نبد اسلام، ۱۳۸۲، ش، ص ۱۱۹.

اسلامی ظهور کردند، و در صداقت و امانت علمی، گوی سبقت را از مردان ربودند^۱ تا جایی که حافظ ذهبی گفته است: «در میان زنان محدث کسی را نمی‌شناسم که متهم و متروک باشد»^۲.

ادامه دارد...

۱- رک حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، محمد حکیم پورا، ص ۱۹۸
 ۲- میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ذمیر، بیروت، دار المعرفه، ص ۲۰۴، ص ۶۰۴.